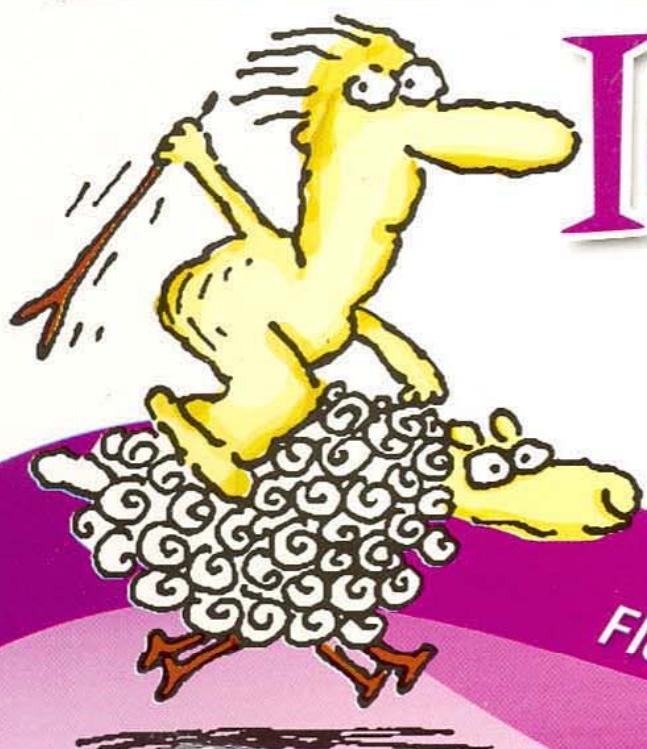


101

Red background banner with white text.

American English

Idioms



Abdollah Ghanbari

Flashbook Series



101



www.ZabanBook.com

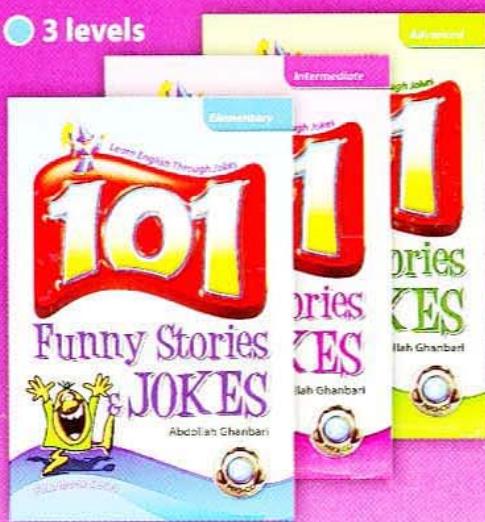
زنگنه بوک

American English Idioms

with Mp3 Disc presents 101 of the most frequent and useful idioms in English, with their main meanings. Humorous illustrations help you remember the meaning of the idioms.

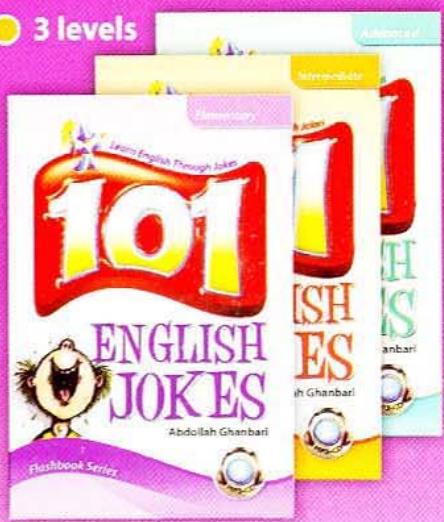
101 Funny Stories & JOKES

● 3 levels



101 ENGLISH JOKES

● 3 levels



1. Elementary 2. Intermediate 3. Advanced

ISBN: 978-964-981-929-7

9 7 8 9 6 4 9 8 1 9 2 9 7



www.ZabanBook.com
زبان بوک

Abdollah Ghanbari
MP3-CD

American English
Idioms

101

اصطلاح آمریکایی

American English Idioms



(duck soup)

شامل:

- ۱۰۱ اصطلاح رایج آمریکایی همراه با معادل‌های دقیق فارسی
- مثال‌های گوناگون
- ترجمه کلمات کلیدی مربوط به اصطلاحات
- فهرست راهنمای اصطلاحات
- لوح فشرده صوتی
- خودآزمایی

تألیف: عبدالله قنبری

« مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران »

انتشارات جنگل

به نام خدا

مقدمه

دوستان عزیز:

ورود شما را به دوره‌ی آموزشی ۱۰۱ خوش‌آمد می‌گوییم و امیدوارم از هم اکنون همراه خوبی در راه رسیدن به هدف آموزشی زبان انگلیسی شما باشم. این مجموعه که بیش از ۶۰ جلد است تمام مباحث آموزشی زبان انگلیسی را در بر می‌گیرد، لذا هر زبان‌آموز با توجه به علاقه و نیاز خود می‌تواند مبحث آموزشی موردنظر خود را انتخاب کند.

در مورد ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آموزش مطالب به صورت متنوع و جذاب
- بیان مطالب آموزشی به صورت ساده و مفید
- انتقال مفاهیم آموزشی به صورت سریع و کاربردی
- خودآزمایی از مباحث آموزشی

اینک شما را با خصوصیات دوره‌ی آموزشی این مجموعه که بر اساس کتاب "101 American English Idioms" تألیف "هری کولیس" تدوین شده است، آشنا می‌سازم.

در تألیف این مجموعه فقط به منبع فوق اکتفا نشده است و برای غنی‌تر شدن مطالب موارد زیر اضافه شده است.

(۱) این کتاب در ده بخش ارائه شده است.

(۲) در پایان هر بخش یک خودآزمایی ارائه شده است.

(۳) بعد از هر اصطلاح انگلیسی، معادل دقیق فارسی آن ذکر شده است.

فهرست مطالب

۷	بخش ۱
۲۰	بخش ۲
۳۲	بخش ۳
۴۴	بخش ۴
۵۶	بخش ۵
۶۸	بخش ۶
۸۰	بخش ۷
۹۲	بخش ۸
۱۰۴	بخش ۹
۱۱۶	بخش ۱۰
۱۲۸	فهرست راهنمای اصطلاحات
۱۳۲	اصول علم آواشناسی
۱۳۶	معرفی کتاب

(۴) برای درک بهتر اصطلاحات معانی کلمات کلیدی اصطلاحات هر درس آورده شده است.

(۵) برای به خاطر سپردن اصطلاحات در حدود ۲۰۰ جمله ارائه شده است.

(۶) در قسمت ضمیمه ۱ فهرست راهنمای اصطلاحات آمده است

(۷) در ضمیمه ۲ آموزش علامت فونتیک ارائه شده است.

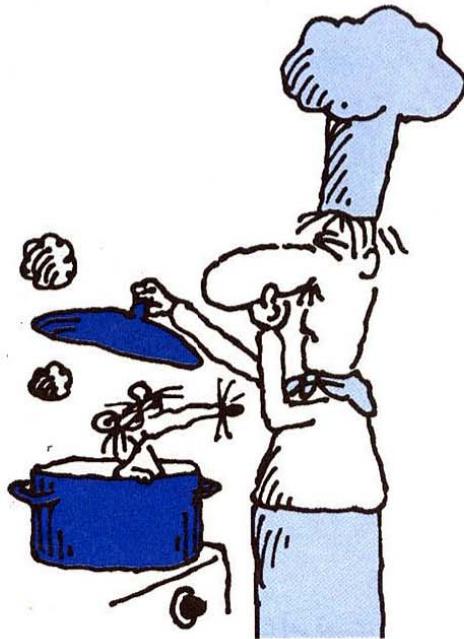
با تشکر ویژه از جناب آقای مجتبی سجاد مدیر محترم انتشارات جنگل، شایسته است از پسر عزیزم مهندس آرش قنبری به خاطر ارائه پیشنهادات سودمند و از خانم معصومه امینی به خاطر نمونه خوانی و ویرایش متن سپاسگزاری نمایم. همچنین از سرکار خانم سمیه شاهنجرانی به خاطر حروفچینی و صفحه‌آرایی این مجموعه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در خاتمه امید است که با این کار، توفیق انجام وظیفه خود را در قبال شیفتگان زبان انگلیسی و دانشجویان راه علم داشته باشم.

با آرزوی موفقیت
عبدالله قنبری



UNIT 1



1. smell a rat

ظنین شدن، بدگمان شدن، مشکوک شدن، شک کردن □ بو بردن، شست
(کسی) خبردار شدن

- a. If I don't send a picture, he will **smell a rat**.
اگر من یک عکس نفرستم، او مشکوک خواهد شد.
- b. If only I'd used my head, I'd have **smelt a rat** straight away and never accepted the proposition.
اگر (فقط) کلام را به کار انداخته بودم، فوراً بو می بردم و هرگز این پیشنهاد را قبول نمی کردم.

اختصارات انگلیسی

فارسی	انگلیسی	نشانه
صفت	adjective	adj
قید	adverb	adv
انگلیسی آمریکایی	American English	Am E
حرف تعریف	Article	art
فعل کمکی	auxiliary verb	aux v
انگلیسی بریتانیایی	British English	Br E
حرف ربط	conjunction	conj
تعریف	definition	def
صوت یا عبارت تعجبی	interjection	int
اسم	noun	n
متضاد	opposite	opp
زمان گذشته	past	p
وجه وصفی	participle	part
جمع	plural	pl
اسم مفعول	past participle	pp
پیشوند	prefix	pref
حرف اضافه	preposition	prep
(زمان) حال	present	Pres
ضمیر	pronoun	pron
موصول	relative	rel
متراff	synonym	syn
ایالات متحده	United States	US
فعل	verb	v
و	and	&
یا	or	/

www.ZabanBook.com
زبان بوک



3. fishy

مشکوک، مظنون، بودار

- a. Did you notice his *fishy* behavior?

آیا متوجه رفتار مشکوک او شدی؟

- b. There is something *fishy* going on.

کلکی در کار است.

- c. There's something rather *fishy* going on here.

مسایل مشکوکی در اینجا وجود دارد.



2. go to the dogs

[شخص] خانه خراب شدن، بدبخت شدن □ [موقعیت، کار] خراب شدن، افتضاح

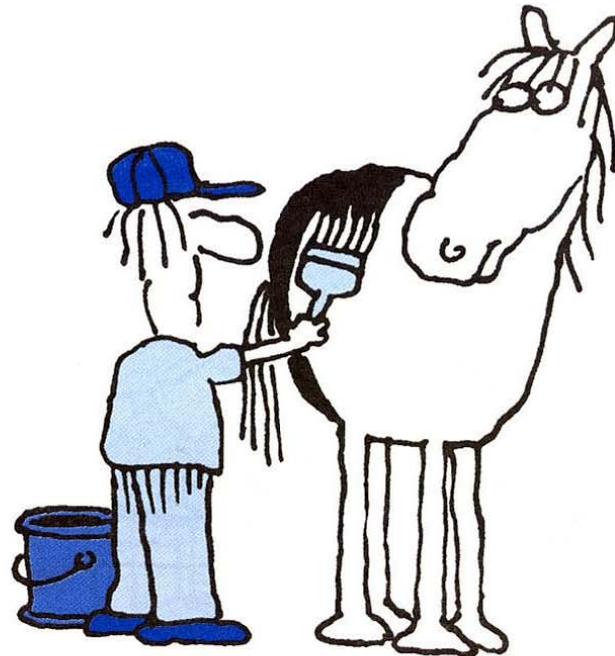
شدن، از هم پاشیدن

- a. That football team *goes to the dogs* whenever a goal is scored against them.

آن تیم فوتبال، هر وقت که گل می‌خورد، از هم می‌پاشد.

- b. The company is really *going to the dogs*.

وضع شرکت واقعاً دارد افتضاح می‌شود.



5. be a horse of another / a different color

موضوع به کلی متفاوت بودن، داستان دیگری بودن

a. It's *a horse of a different color*.

این امری است علیحده. این مطلبی است جدآگانه.

b. You said you didn't like going to the movies, but if you don't want to go because you're broke, that's *a horse of another color*.

گفتی دوست نداری به سینما بروی، اما اگر به دلیل اینکه پول نداری، نمی‌خواهی بروی، آن داستان دیگری است.

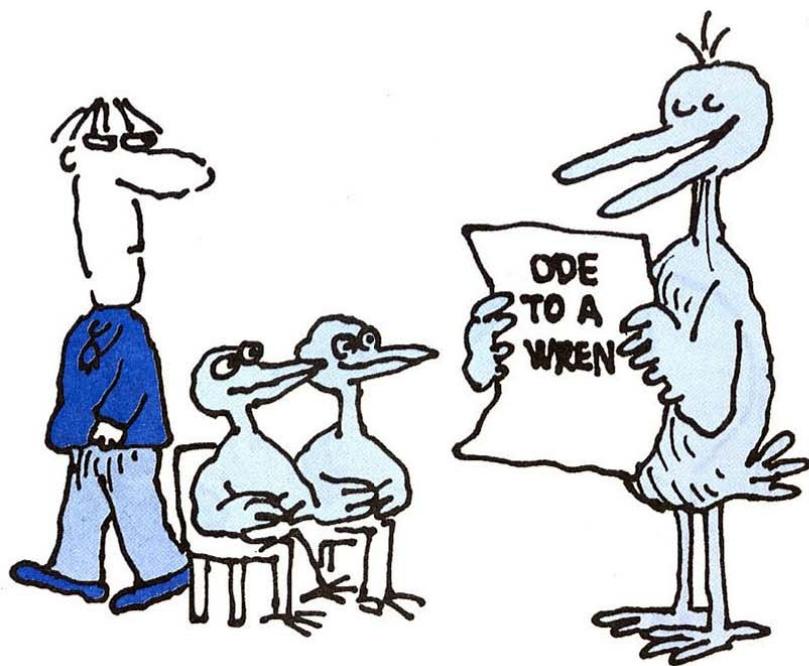


4. take the bull by the horns

با شاخ گاو در افتادن، در انجام کاری جسارت و شهامت نشان دادن، (با مشکلات) سر شاخ شدن

Just sitting here and thinking about the problem isn't helping. You've got to ***take the bull by the horns***- so go on, face her and settle your differences right away!

فقط اینجا نشستن و فکر کردن در مورد مسئله چاره‌کار نیست. باید جسارت و شهامت نشان دهی - پس برو جلو و فوراً اختلافات خود را با او برطرف کن.



7. (strictly) for the birds

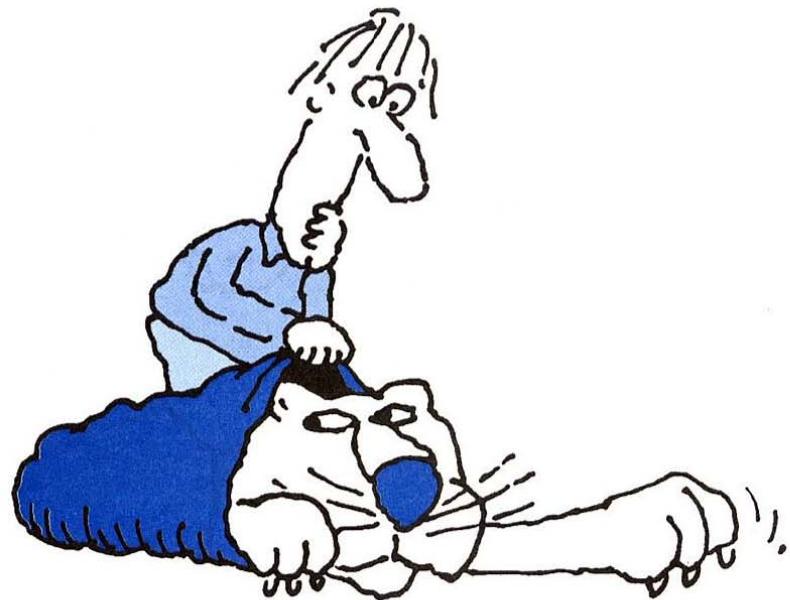
مزخرف، چرند، بی ارزش، احمقانه

a. Gambling is *strictly for the birds*.

قماربازی کاملاً احمقانه است.

b. I hate backbiting. It is *strictly for the birds*.

من از غیبت (بدگویی) متنفرم. این کار بسیار مزخرف است.



6. let the cat out of the bag

بند را آب دادن، از دهان (کسی) در رفتن، مطلب را لو دادن، رازی را آشکار کردن

a. He wasn't supposed to know about the matter, but someone *let the cat out of the bag*.

قرار نبود او چیزی راجع به آن موضوع بداند، اما کسی بند را آب داد.

b. Why did you *let the cat out of the bag*?

چرا مطلب را لو دادی؟